

تشدید سرکوب راه حل مشکلات ایران نیست

پس از گذشت یکسال و اندی از پایان محاکمه پانزده تن از مبارزان ملی - مذهبی، شعبه بیست و شش دادگاه انقلاب حکمهای متهمان این پرونده را اعلام کرد و آنان را در مجموع به نود و شش سال زندان و سالیان دراز محرومیت از همه حقوق اجتماعی محکوم نمود. در میان این افراد از جمله به نامهای مبارزان قدیمی همچون مهندس سبحانی و دکتر پیمان بر می خوریم که در رژیم خودکامه محمد رضا شاه پهلوی نیز سالیان دراز در سیاهچال های ساواک به بند کشیده شده بودند. باند مافیایی قدرت و ثروت و ارتجاع لجام گسیخته نشان داد که حتی نصیحت گران و منتقدانی را نیز که خواهان مبارزه قانونی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی هستند بر نمی تابد و با دست یازی به ناچسب ترین اتهام ها و با استفاده از چماق دادگاه های انقلاب آنان را روانه زندان می کند، تا هر گونه آوای مخالفی را در گلو خفه سازد.

گر چه پیروی نیروهای ملی - مذهبی از دکتر محمد مصدق، شخصیت ملی و ضداستعماری ایران، مخالفت آنان با قراردادهای نفتی نابرابر در سال های گذشته و وام گیری از خارجی ها در چارچوب سیاست های بانک جهانی و مخالفت با لغو تعطیلی روز ملی شدن صنعت نفت، که مجلس پنجم به ریاست ناطق نوری برای خوشرفی در برابر دولت انگلیس تصویب کرده بود و روند روبرشد اقبال مردم به این نیروها سبب شده بود که گذار آنان به زندان و «دادگاه» بیافتد، اما اعلام این حکم های سنگین - که مغایر با ابتدایی ترین حقوق شهروندی است - آنها را با اتهام هایی چنین واهمی، دلیل های دیگری دارد که از شرایط مشخص کنونی ایران و منطقه سرچشمه می پذیرد.

نظام ولایت فقیه که با بحرانی ژرف و همه سویه روبروست و میهن ما را به ورطه هولناک فقر و فساد و بیکاری و اعتیاد و استبداد و سلب حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی رانده است و مشروعیت خود را نزد اکثریت مطلق ایرانیان مدت هاست از دست داده است، برای نگهداری صدها میلیارد ثروت چپاول شده و قدرت متمرکز غیر پاسخگو به مردم بهر وسیله ای دست می یازد.

اشغال نظامی عراق بوسیله ایالات متحد آمریکا و انگلستان وضعیت جدیدی در منطقه پدید آورده است که نظام ولایت فقیه و کشور ایران نیز در شعاع تاثیرات آن قرار دارد. با توجه به نقشه های آمریکا برای منطقه، جمهوری اسلامی با تنگناهایی روبروست که برای حفظ نظام مجبور است دست به واکنش هایی بزند. این واکنش ها در گستره سیاست داخلی و خارجی رژیم قابل مشاهده است، که آن را می توان با فرمول سرکوب در داخل و سازش در خارج بیان کرد.

بخش هایی از اصلاح طلبان حکومتی با اعلام پایان اصلاحات از راه چانه زنی در بالا به بسته بودن نظام ولایت فقیه و بن بست کامل اصلاحات در چارچوب قانون اساسی کنونی اعتراف کرده اند و از اینرو در چهره نیروهای ملی - مذهبی، ملی، نهضت آزادی و جنبش دانشجویی متحدین نوینی را جستجو می کنند. از سوی دیگر جناح طالبانی رژیم بخشی از اصلاح طلبان حکومتی یعنی مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی را برای حفظ ولایت فقیه و منافع سرشار مشارکت در حکومت، در کنار خود خواهد داشت.

در چنین وضعیتی اعلام حکم های زندانی ملی - مذهبی ها نشانگر نوعی قدرت نمایی مشخص در عرصه سیاست ایران است که می خواهد از یکسو به قدرت های خارجی، بویژه ایالات متحد، نشان دهد که طرف قابل مذاکره و معامله جناح مافیایی و طالبانی حکومت است و تصمیم گیری نهایی در ایران با آنهاست و از دیگر سو به مردم ایران، به اصلاح گرایان پیگیر و به اپوزیسیون قانونی و جنبش های مردمی مشت آهنین نشان دهد و مانع بهره گیری این نیروها از موقعیت پیش آمده جهانی و منطقه ای برای پیگیری خواسته های دمکراتیک و آزادیخواهانه شان شود. افشای مذاکرات مخفی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در ژنو که سرانجام از سوی سخنگوی رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هم به آن اعتراف شد، نشان داد که جمهوری اسلامی برغم همه آوازه گری های دروغین پیشین در شرایط حساس حاضر می شود با به اصطلاح « شیطان بزرگ» هم به گفتگو و مذاکره بنشیند تا کشتی شکسته حکومت را شاید با دادن امتیازاتی از جیب ملت ایران نجات بخشد. در چنین چرخشگاه مهمی است که رژیم می کوشد با یورش به بخشی از نیروهای مخالف و رقیب - که از مدتها پیش در شرایط بسیار مناسب تری خواهان چنین مذاکراتی بودند - همانند دوران نوشیدن جام زهر و پذیرفتن آتش بس میان ایران و عراق، مخالفان داخلی را از دم تیغ بگذراند، بگونه ای که چنین تمایلی در نغمه های شوم هاشمی رفسنجانی - یکی از پشتوانه های مهم

استبداد در ایران- در روزهای اخیر بگوش می رسد. بستن پایگاه های اینترنتی و مطبوعات، دستگیری های بی وقفه دانشجویان و روشنفکران مبارز نیز در همین چارچوب قابل بررسی است.

آنچه که سران جمهوری اسلامی از درک آن ناتوان اند، تغییر بنیادی شرایط داخلی و خارجی است که به آنان اجازه نخواهد داد به سبک بیست سال گذشته حکومت کنند. بی تردید اینگونه سرکوب ها بحران سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی نظام اسلامی را نه تنها حل نکرده ، بلکه به ژرفای آن خواهد افزود. و اما حذف و یا آسیب های جدی به نیروهای مبارز راه را در شرایط دگرگونی های غیر قابل پیش بینی بر سلطنت طلبان، یعنی روی دیگر سکه محافظه کاری در ایران هموار خواهد ساخت. ملاهای معطوف به قدرت شیعه و همدستان موتلفه ای و حجتیه ای و دیگر گروه های مافیایی بدین سان، همانگونه که رژیم پهلوی با سرکوب همه مخالفان ملی و چپ گرا راه را بر حکومت آنان گشود، در یک اقدام مشابه در عمل قدرت را به سلطنت طلبان که در سایه اقتدار دستگاه دولتی آمریکا قرار دارند، منتقل خواهند کرد.

ما ضمن محکوم کردن حکم های زندان برای پانزده نفر مبارز ملی- مذهبی خواهان لغو این حکم های ستمگرانه و آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم و بر این باوریم که استقرار دموکراسی و جمهوری واقعی در کشور می تواند بدور تسلسل باطل دست بدست شدن قدرت سیاسی میان نیروهای غیر دموکراتیک پایان بخشیده و دورنمای روشنی برای رفع بحران های ژرف گریبانگیر جامعه ما ایجاد کند.

هیات نگارندگان نشریه «نگرش»